

درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال بزه دیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی

محمد جعفر حبیب زاده

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس*

تاریخ دریافت: ۸۴/۹/۳

تاریخ تأیید: ۸۵/۳/۵

محمد باقر مقدسی روئین

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

گروه‌های آسیب پذیر، از جمله اطفال، به لحاظ شرایط خاصشان نیازمند حمایت ویژه‌اند. حمایت از آنها از طریق اتخاذ سیاست افتراقی صورت می‌گیرد. سیاست افتراقی در قوانین داخلی به صورت جرم‌انگاری خاص در حوزه اطفال و یا به صورت تشدید مجازات متجلی می‌شود. در اسناد بین‌المللی نیز توجه ویژه‌ای به اطفال شده است. مقاله پیش رو سعی دارد که به تطبیق حمایت‌های کیفری پیش‌بینی شده برای اطفال در اسناد بین‌المللی با قوانین داخلی بپردازد. واژگان کلیدی: حمایت کیفری، قوانین داخلی، اسناد بین‌المللی، سیاست افتراقی، اطفال بزه دیده.

مقدمه

در غالب جرایم حضور دو کنشگر ضروری است: بزه‌کار و بزه دیده. براساس نظریه حسابگری بنام شخص قبل از ارتکاب جرم با سنجش منافع و مضار آن به حسابگری می‌پردازد و چنانچه در باید منافع مکتسبه احتمالی بیشتر از مضار است، اقدام خواهد کرد (پرادل، ۱۳۸۱: ۶۲). یکی از مواردی که می‌تواند در حسابگری بزه‌کار مورد لحاظ قرار گیرد وجود بزه دیده‌ای است که آماج مناسبی (Suitable Target) برای ارتکاب جرم باشد. اطفال و زنان به دلیل وضع فیزیولوژیکشان آماج مناسبی برای بزه‌کارانند. این دو گروه به دلیل فقدان قدرت جسمی کافی در مقابل ارتکاب جرم علیه خود مقاومت کمتری نشان می‌دهند و بعد از ارتکاب جرم نیز ادعای آنها به سختی پذیرفته می‌شود. از این رو از افشای بزه‌دیدگی خود ابا دارند (Roylance, 1999: 2). این مشکل باعث شده است که هم در عرصه بین‌المللی و هم داخلی در جهت حمایت از این دو گروه سیاست افتراقی اتخاذ شود. در عرصه بین‌المللی اسناد بین‌المللی و در عرصه داخلی قوانین حمایتی عهده‌دار این هدفند که در حقوق داخلی

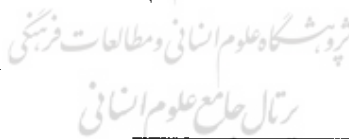
*Habibzam@modares.ac.ir

گاه به صورت جرم‌انگاری خاص و گاه به صورت وضع مجازات‌های شدیدتر نسبت به مرتکبان جرایم علیه آنها تجلی پیدا می‌کند. موقعیت اطفال که «بزه‌دیدگان آرمانی» هستند (کُیز، ۱۳۷۹: ۵۲) به مراتب وخیم‌تر از موقعیت زنان است، از این رو نیازمند حمایت و مساعدت‌های خاصی‌اند که متناسب با سن و مراحل رشد و نیازهای ویژه و فردی آنها باشد (Guidelines on Justice for, 2004).

فقدان رویه مشترک در قبال بزه‌دیدگی اطفال از مشکلات اساسی جامعه بین‌الملل محسوب می‌شود. یکی از راه‌هایی که می‌تواند به هماهنگی سیاست تقنینی کشورها کمک کند تصویب معاهدات بین‌المللی است. تصویب کنوانسیون حقوق کودک نه تنها در تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ مؤثر بوده، در مقرراتی که پس از آن به تصویب رسید از جمله افزایش حداکثر سن افرادی که از سیاست افتراقی قانون‌گذار بهره‌مند می‌شوند به هیجده سال نیز تأثیر داشته است.^۱

مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی می‌تواند خلأها و نارسایی‌های قوانین داخلی را روشن سازد. در این تحقیق بر آنیم که با مطالعه تطبیقی مقررات داخلی و بین‌المللی در حوزه اطفال آشکار سازیم که سیاست تقنینی ایران در حوزه اطفال هماهنگ با اسناد بین‌المللی بوده یا نه؟

در این تحقیق به بررسی مقررات کیفری در حمایت از اطفال در برابر مواد مخدر، حقوق اجتماعی، حمایت در برابر آزار جسمی و جنسی خواهیم پرداخت. در هر مبحث پس از بیان مقررات مندرج در اسناد بین‌المللی، مقررات داخلی را نیز بیان کرده و به تطبیق آن دو پرداخته و ایرادها و خلأهای مقررات داخلی نیز بیان می‌شود. در ادامه به بیان راهکارهای اصلاحی در جهت حمایت بیشتر از اطفال و تطبیق با اسناد بین‌المللی خواهیم پرداخت.



۱- طبق اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون پالمو، طفل به شخصی اطلاق می‌شود که کمتر از هیجده سال سن داشته باشد. در قوانین کیفری ایران تا قبل از سال ۱۳۸۱ قانون‌گذار به ذکر واژه‌هایی همانند «طفل»، «نابالغ»، «صغیر» و «کودک» اکتفا کرده بود. برای تشخیص طفل از غیرطفل باید به ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی مراجعه کرد. طبق این ماده طفل به پسر و دخترای اطلاق می‌شود که به ترتیب سنشان کمتر از پانزده و نه سال تمام قمری باشد. در برخی از موارد، همانند ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی نیز به سن خاصی اشاره گردیده است. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و به تبع آن مقررات مؤخر دیگر همچون قانون مبارزه با قاچاق انسان، با تأسی از کنوانسیون حقوق کودک، حداکثر سن برای اتخاذ سیاست افتراقی به هیجده سال افزایش یافته و طیف بیشتری از اطفال از حمایت‌های قانون‌گذار بهره‌مند شده‌اند. بنابراین هر چند قوانین ایران برخلاف اسناد بین‌المللی سن هیجده سال را ملاک تشخیص طفل از غیر طفل قرار نداده‌اند ولی در برخی از موارد قانون‌گذار از اصل رجوع کرده و به تبع مقررات بین‌المللی اطفال کمتر از هیجده سال را مشمول حمایت‌های خود قرار داده است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۳: ۴۱-۱۵).

۱- حمایت در برابر مواد مخدر

امروزه مبارزه با پدیده قاچاق و مصرف مواد مخدر به یکی از اساسی‌ترین اهداف دولت‌ها تبدیل شده است. به رغم تلاش‌های صورت گرفته نه تنها قاچاق و مصرف مواد مخدر در مقایسه با گذشته کاهش نیافته، بلکه ابعاد آن به مراتب بیشتر از قبل شده است. قاچاق سازمان یافته مواد مخدر، آشکارترین گونه امروزی این پدیده به شمار می‌رود (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۳۰۷/۲). اهمیت جرم و خسارات ایجاد شده متعاقب قاچاق مواد مخدر آن را به یکی از اصلی‌ترین جرایم سازمان یافته مبدل ساخته است (شمس اژی، ۱۳۷۹: ۳۰۲) به گونه‌ای که رابطه بین جرم قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان یافته عموم و خصوص من وجه است (بولوکوس، ۱۳۷۹: ۳/۲۳۶).

در میان بزه دیدگان جرایم مواد مخدر از بزه دیدگان مستقیم و غیرمستقیم صحبت به میان آمده است. بزه دیدگان مستقیم سوء مصرف مواد مخدر شخص معناد و خانواده او و بزه دیده غیرمستقیم آن کانون خانوادگی ملی یعنی کشور در تمام ابعاد اقتصادی، فرهنگی و امنیتی است (توجهی، ۱۳۷۹: ۳۱۹/۱). در جرم قاچاق مواد مخدر در سطح کلان کل جامعه و در سطح خرد تمام مصرف‌کنندگان و معنادان و خانواده‌هایشان بزه دیده هستند (رایجیان اصلی، همان: ۳۲۷). از آن‌جا که هر دو جرم سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر بزه دیدگانی خواهد داشت، آنها نیازمند حمایتند و چنانچه اطفال بزه دیده دو جرم باشند حمایت از آنها ضروری‌تر است.

در جرایم مواد مخدر جنبه بزه‌دیدگی بر بزه‌کاری اطفال غلبه دارد. درخصوص خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر نیز اطفال بیشتر بزه دیده هستند تا بزه‌کار (عباچی، ۱۳۷۹: ۱۷۳/۳). زیرا سوداگران مواد مخدر از عدم آگاهی اطفال استفاده کرده و آنان را در فعالیت‌هایی که خطرات زیادی دارد می‌کنند. اطفال به دلیل وضع جسمی و سنی‌شان بیشتر در قاچاق مواد مخدر به کار گرفته می‌شوند. چون در اکثر کشورها اطفال از مسئولیت کیفری مبرا هستند، قاچاقچیان مواد مخدر از اطفال به عنوان واسطه قاچاق استفاده می‌کنند. باندهای تبهکارانه مواد مخدر ابتدا سعی می‌کنند که اطفال را به مواد مخدر معناد و سپس از آنها استفاده کنند.

گسترده‌تر شدن مصرف و قاچاق مواد مخدر دولت‌ها را به فکر همکاری بین‌المللی انداخته است. این همکاری‌ها به تصویب کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مواد روان‌گردان ۱۹۸۸ منجر شد. طبق کنوانسیون، دولت‌های عضو موظف شدند برای حمایت از اطفال در مقابل مواد مخدر تدابیر مقتضی را آغاز نمایند. در بند سوم از قسمت «ج» بند ۱ ماده ۳ در بیان مواردی که باید دولت‌های عضو اقدام به جرم‌انگاری نمایند «تشویق یا ترغیب علنی دیگران به هر وسیله‌ای به منظور ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این ماده (ماده ۳) و یا استعمال غیرقانونی مواد مخدر و یا داروهای روان‌گردان»

ذکر شده است. در این بند از واژه دیگران استفاده شده که در هر حال اطفال را نیز در بر می‌گیرد، ولی بهتر آن بود که مجازات معتاد نمودن اطفال تشدید می‌شد، چنان‌که در بحث قاچاق این راهکار پیش‌بینی شده است. در بند «و» و «ز» ماده ۵ ماده ۳ به استفاده از اطفال در قاچاق مواد مخدر پرداخته شده و استفاده از آنان برای قاچاق، در کنار عواملی چون وقوع جرم در یک نهاد جزایی یا آموزشی یا بنگاه خدمات اجتماعی و یا در مجاورت آنها و یا سایر امکانه‌ای که دانش آموزان به منظور انجام فعالیت‌های آموزشی، ورزشی و اجتماعی به آنها مراجعه می‌نمایند، از عوامل مشدده جرم ذکر شده است.

در کنوانسیون تنها به معتاد کردن مستقیم افراد اشاره شده و به روش غیرمستقیم معتاد کردن توجه نشده است. حالت مستقیم معتاد کردن وقتی است که شخص عمداً دیگری را معتاد می‌کند و غیرمستقیم آن است که شخص به دلیل هم‌نشینی با شخص معتاد به مواد مخدر گرایش پیدا می‌کند (بیگی، ۱۳۸۴: ۱۲۱). اطفال خانواده‌های معتاد از جمله اصلی‌ترین گروه‌های در معرض خطرند که تدابیر لازم برای حمایت از آنها ضروری است. این تدابیر می‌تواند به صورت تهیه مراکز خاص برای نگهداری آنها دور از والدین باشد. این امر در کنوانسیون مغفول مانده است.

ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق کودک برخلاف کنوانسیون مبارزه با مواد مخدر، صراحت از اطفال در مقابل اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر حمایت کرده و دولت‌ها را به انجام اقدامات اجرایی، آموزشی و اجتماعی در جهت حمایت از اطفال ملزم کرده است. شناسایی اطفال در معرض خطر که والدینشان معتاد هستند و انتقال آنها به مراکز خاص و آموزش اطفال در مورد پیامدهای منفی اعتیاد می‌تواند از جمله مصادیق حمایت مقرر در ماده مذکور باشد. کنوانسیون شماره ۱۸۲ سازمان جهانی کار (۱۹۹۹) نیز در بند ۳ در بیان اشکال غیرقانونی استخدام و به‌کارگیری اطفال، استفاده و یا ترغیب اطفال به انجام فعالیت‌های غیرقانونی و به‌کارگیری اطفال در قاچاق مواد مخدر را آن گونه که در عهدنامه‌های بین‌المللی مرتبط با مواد مخدر ذکر گردیده، بیان کرده است.

ایران نیز از خسارات ناشی از قاچاق و مصرف مواد مخدر در امان نمانده است. همسایگی با دو کشور پاکستان و افغانستان، موجب شده هر ساله مقادیر زیادی مواد مخدر از مسیر ایران عبور داده شود. قرار گرفتن در این مسیر دسترسی به مواد مخدر را به آسانی ممکن ساخته و این امر باعث گرایش (حدود سه میلیون) به این مواد شده است (روزنامه شرق، ۱۳۸۴/۳/۲۹: ۳۱).

قانون‌گذار با آگاهی از این امر در ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۶۷/۸/۳) مجازات شدیدی را برای کسی که دیگری را معتاد می‌کرد پیش‌بینی کرده بود. هر چند در این ماده به طور صریح از لفظ اطفال استفاده نشده بود ولی واژه «دیگری» مذکور در صدر این ماده عام بوده و شامل اطفال نیز می‌گردید و حتی می‌توان گفت اطفال بارزترین مصداق بزه دیده این ماده محسوب می‌شدند. مؤید این

نظر اطلاق عبارات «عضو خانواده خود» و «دانش آموز» مذکور در تبصره ۲ این ماده بود که در مقام بیان کیفیات مشدده این جرم آمده بود. توضیح این که بارزترین مصداق عضو خانواده مرتکب، فرزندان صغیر خانواده هستند. مضافاً این که اکثریت جامعه آماری دانش‌آموزان را نیز اطفال تشکیل می‌دهند (همان: ۱۳۱). به نظر می‌رسید که با وضع این ماده قانون‌گذار سیاست افتراقی مناسبی جهت حمایت از اطفال اتخاذ کرده، ولی برخلاف یافته‌های جرم‌شناختی و کنوانسیون‌های بین‌المللی، این ماده در سال ۱۳۷۶ به هنگام اصلاح قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر، حذف گردید. حذف این ماده خلاف اسناد بین‌المللی است که ایران به آنها ملحق شده است. کشورهای دیگر موادی همانند ماده ۱۸ قانون سابق در نظر گرفته‌اند. چنان‌که قانون فرانسه تشویق اطفال به مصرف مواد مخدر را به عنوان یکی از مصادیق در معرض خطر قرار دادن اطفال تلقی کرده و در صورتی که این امر توسط والدین طفل ارتکاب یابد، حکم به تشدید مجازات داده است (بوریگان، ۱۳۸۱: ۲/ ۱۹۵).

از حمایت‌های دیگر در جهت حمایت از اطفال در مقابل گرایش به مصرف مواد مخدر، تصویب ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی است. بند ۱ ماده مذکور سلب حضانت از والدین معتاد را به رسمیت شناخت و با اصلاح مذکور، حمایت از اطفال در معرض خطر اعتیاد تسهیل شد.

در حقوق داخلی تا قبل از سال ۱۳۸۱ تنها کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مواد روان‌گردان در زمینه حمایت از حقوق اطفال وجود داشت. از آن جا که در این دو کنوانسیون مجازاتی برای استفاده از اطفال در قاچاق مواد مخدر پیش‌بینی نشده بود، فاقد ضمانت اجرای مناسب بود. تصویب بند ۴ ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی که «سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی‌گری و قاچاق» را به عنوان یکی از مصادیق عدم لیاقت والدین برای حضانت از اطفال بیان کرد، هرچند بسیار مفید بود ولی تنها نسبت به والدین اجرا می‌شود و شامل غیر والدین نمی‌شود. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان خلأ قانونی تا حد زیادی برطرف شد. هرچند اعاده مکرر این قانون از طرف شورای نگهبان و اصلاحات صورت گرفته از طرف مجلس به منظور تأمین نظر شورای نگهبان باعث شد که قانون مصوب با فلسفه آن متضاد باشد (زینالی، همان: ۵۹). در عین حال جرم‌انگاری‌های قانون‌گذار در جهت حمایت از اطفال پیشرفت بزرگی محسوب شده، آن را را به یک متن حقوق بشری (مهرا، ۱۳۸۴: ۲۸۰) مبدل ساخته است. از نوآوری‌های قانون، ماده ۳ است که مقرر می‌دارد: «هر گونه خرید و فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از دو میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد». قانون‌گذار با بیان عبارت اعمال خلاف که با توجه به مثال ذکر شده (قاچاق مواد مخدر)، اعمال مجرمانه را در

نظر داشته، تا حد زیادی محدوده بهره‌کشی و استثمار کودکان را محدود کرده است (همان: ۵۸) و با جرم‌انگاری بهره‌کشی و سوء استفاده از اطفال در قاچاق مواد مخدر خلأ قانونی در این حوزه را برطرف کرده است، ولی آن چه باعث تعجب است مجازات مقرر در این ماده است. در حالی که طبق ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی تحصیل یا مخفی یا قبول یا مورد معامله قرار دادن اموال مسروقه (بدون این که شخص آن را حرفه خود قرار داده باشد) با مجازات سنگین شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق مجازات مواجه شده، در ماده یاد شده مجازات خرید و فروش و بهره‌کشی و به کارگیری انسان و آن هم کودک کمتر از هیجده سال سن (که نیاز به حمایت بسیار دارد) شش ماه تا یک سال زندان و یا جزای نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال در نظر گرفته شده است! جالب تر آن که جدا از مجازات بسیار اندک جرم فوق الذکر و عدم تناسب جرم با مجازات، این ماده قاضی را در انتخاب بین دو مجازات حبس و جزای نقدی مخیر کرده است: درحالی که در مورد معامله اموال مسروقه اعمال دو مجازات ذکر شده، اجباری است. علاوه بر لزوم حذف عبارت «خسارات وارده» با توجه به تعیین تکلیف خسارات در ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری به نظر می‌رسد ضروری‌ترین امر در جهت حمایت از اطفال، تشدید مجازات مقرر در این ماده است تا بتواند مانع ورود افراد خطرناک در این قلمرو شود.

۲- حمایت از حقوق اجتماعی

در کنار حمایت از اطفال در برابر فروش و مصرف مواد مخدر حمایت از حقوق اجتماعی آنان نیز مورد توجه قرار گرفته است. از مهم‌ترین حقوق اطفال در این حوزه می‌توان به حمایت از آنها در برابر به کارگیری در فعالیت‌های نظامی و ممانعت از تحصیل اشاره کرد.

الف) منع به کارگیری در فعالیت‌های نظامی

از کار کودکان گاهی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و گاهی توسط دولت‌ها استفاده می‌شود. استفاده از کار اطفال توسط دولت‌ها گاهی به صورت به کارگیری آنان در فعالیت‌های نظامی است. طبق برآوردی که صورت گرفته هم اکنون بیش از سیصد هزار کودک زیر هیجده سال در درگیری‌های مسلحانه شرکت دارند (ایروانیان ۱۳۸۲: ش ۳۲/ ۱۳۲).

در جهت حمایت از اطفال در برابر شرکت در مخاصمات مسلحانه مقرراتی وضع شده است. از جمله این موارد ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک است. این ماده بر لزوم منع ورود اطفال کمتر از پانزده سال در مخاصمات مسلحانه و پذیرش آنها در نیروهای نظامی تأکید کرده است. با وجود ماده ۳۸ هنوز هم استفاده از کودکان در مخاصمات مسلحانه و نیروهای نظامی وجود دارد. بنابراین سازمان ملل در جهت تصویب پروتکل دیگری در جهت منع ورود اطفال در مخاصمات مسلحانه تلاش کرد. به این منظور و در جهت تکمیل

کنوانسیون حقوق کودک، از طرف سازمان ملل گروه کاری تشکیل شد. حاصل کار تلاش‌های این گروه تدوین پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد شرکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه بود. از نظر کمیسیون حقوق بشر و کمیته حقوق کودک، تدوین پروتکل و اجرای آن گام مؤثری در جهت تأمین حداکثر منافع کودکان تلقی می‌شود (مصفا، ۱۳۸۳: ۲۱). پروتکل که در سال ۲۰۰۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید تا اکتبر ۲۰۰۵ به امضای ۱۲۱ کشور رسیده و ۱۰۲ کشور به عضویت آن در آمده‌اند. پروتکل در تکمیل ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک، منع ورود به مخاصمات مسلحانه را از پانزده سال به هیجده سال افزایش داده و در ماده ۱ دولت‌ها را ملزم کرده است به منظور جلوگیری از شرکت اطفال زیر هیجده سال در مخاصمات مسلحانه تدابیر مقتضی انجام دهند و تدابیر قانونی و اجرایی و دیگر راهکارها را برای تضمین اجرای مؤثر مقررات این پروتکل در کشور مربوطه شان اتخاذ کنند (بند ۱ ماده ۶). نه تنها کشورها ملزم به اجرای پروتکل هستند بلکه به منظور تضمین اجرای آن هر یک از دولت‌های عضو ظرف دو سال از شروع به اجرای پروتکل باید گزارشی به کمیته حقوق بشر در مورد اقداماتی که در جهت اجرای پروتکل اتخاذ کرده‌اند ارائه دهند (بند ۱ ماده ۸). ارائه گزارش هر پنج سال یک بار تکرار خواهد شد (بند ۲ ماده ۸). حمایت از این حق اطفال تا بدان حد مهم است که بنا بر بند ۲۶ قسمت «ب» ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان کمتر از پانزده سال در نیروهای مسلح ملی یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت در کارهای جنگی جزء جنایات جنگی شناخته شده و مرتکبین در دیوان قابل محاکمه‌اند. براساس اساسنامه نه تنها به‌کارگیری اطفال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی جنایت جنگی محسوب شده، بلکه بنا بر بند ۷ قسمت «ج» ماده مذکور، در حالت وقوع جنگ مسلحانه داخلی نیز به‌کارگیری اجباری و داوطلبانه کودکان کمتر از پانزده سال جنایت جنگی به حساب می‌آید. نکته مهم آن‌که اساسنامه به‌کارگیری داوطلبانه کودکان را همانند به‌کارگیری اجباری دانسته است.

در ایران به موجب ماده ۲ قانون نظام وظیفه عمومی (۱۳۶۳) اعزام اشخاص کمتر از نوزده سال به سربازی ممنوع است و از آن‌جا که تنها افراد ذکور به خدمت وظیفه فراخوانده می‌شوند تا حدی معیارهای بین‌المللی رعایت شده است، ولی اجازه عضویت افراد کمتر از پانزده سال در بسیج که یک نیروی نظامی محسوب می‌شود مغایر با معیارهای بین‌المللی است. طبق ماده ۱۳ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۷۰) پرسنل بسیجی به سه گروه تقسیم می‌شوند: بسیجی عادی، فعال و ویژه. بسیجی عادی «عموم اقشار معتقد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اهداف انقلاب اسلامی هستند که پس از گذراندن دوره آموزش عمومی به خدمت ارتش بیست میلیونی درآمده و سازماندهی می‌شوند». طبق ماده ۹۳ «دانش‌آموزان زیر پانزده سال سن که دارای شرایط لازم برای عضویت ارتش بیست میلیونی می‌باشند به عنوان بسیجی عادی تلقی می‌شوند». علاوه بر این‌که این ماده مغایر کنوانسیون‌هایی است که ایران به آنها

ملحق شده. معلوم نیست که طفل کمتر از پانزده سال (که با توجه به عدم تعیین حداقل سن می‌تواند طفل مشغول به تحصیل در مقطع ابتدایی را هم شامل شود) با چه هدفی مجاز به عضویت در این نیرو شده است. طفلی که نه توان جسمی مبارزه را دارد و نه حتی از لحاظ فکری به حدی رشد کرده که بتواند نیروهای دشمن را از نیروهای خودی تمیز دهد.

ب) منع ممانعت از تحصیل

به کار واداشتن اطفال نه تنها موجب ورود آسیب جسمی به آنان می‌شود، بلکه همچنین مانع اشتغال آنان به تحصیل خواهد شد. محرومیت اطفال از تحصیل ممکن است به دلیل اشتغال به کار، فقر و نبود امکانات آموزشی باشد. بنابراین آمارهای اعلام شده هم اکنون یک میلیارد نفر از جوانان در سراسر جهان در حال درس خواندن هستند که در گروه سنی شش تا یازده سال، ۲۴/۵ درصد از دختران و ۱۶/۴ درصد از پسران از آموزش رایگان بی‌نصیبند (بیگی، همان: ۳۲۱).

در جهت حمایت از حق اجتماعی تحصیل اطفال نیز سازمان ملل به تصویب مقرراتی اقدام کرده است. علاوه بر اطلاق عبارت هر کس مندرج در ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر که از حق اشخاص برای بهره‌مندی از آموزش رایگان صحبت به میان می‌آورد، اصل ۷ اعلامیه حقوق کودک و ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک به صراحت برحق اطفال برای بهره‌مندی از آموزش رایگان تأکید کرده‌اند.

در باب حمایت از حق تحصیل کودکان تا قبل از سال ۱۳۸۱ تنها قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی (مصوب ۱۳۵۳) وجود داشت (زینالی، همان: ۱۷۶). ماده ۱ این قانون بر حق کلیه اطفال ایرانی نسبت به تحصیل تأکید می‌کرد و بازداشتن آنان از تحصیل را تنها با مجوز قانونی مجاز می‌دانست. در صورتی که والدین اطفال مانع تحصیل کودک می‌شدند بنابر ماده ۴ قانون فوق‌الذکر به پرداخت جزای نقدی از ده هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم می‌شدند که مجازات نامناسبی بود. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ گام مهمی در جهت حمایت از این حق اطفال برداشته شد. ماده ۴ قانون مقرر می‌دارد: «هرگونه... ممانعت از تحصیل آنان (کودکان) ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد». در این ماده علاوه بر تشدید مجازات، که مفید است، برخلاف قانون پیشین به طور مطلق از حق تحصیل کودکان حمایت شده است. حذف استثنای قانون سابق در جهت حمایت از اطفال بسیار ضروری بود.

۳- حمایت در برابر ضرب و جرح و آزار جسمانی

اطفال به دلیل این‌که توانایی مقابله با صدمات مهاجم را ندارند آماج مناسبی برای ارتکاب ضرب و جرح و آزار جسمانی هستند که غالباً نسبت به اطفال کمتر از پنج سال صورت می‌گیرد.

طبق تحقیقات انجمن جرم شناسی استرالیا در سال ۱۹۹۶ تعداد فوت کودکان در اثر ضرب و جرح بیشتر از تعداد مرگ و میر در نتیجه تصادفات رانندگی، تصادفات اتفاقی و حتی تعداد مرگ و میر افرادی است که در دریا غرق شده‌اند (Roylance, 1999: 5).

در کنوانسیون حقوق کودک در مواد متعددی به حمایت از اطفال در این حوزه پرداخته شده است. از جمله می‌توان به ماده ۶ اشاره کرد که برحق ذاتی هر کودک برای زندگی اشاره می‌کند. علاوه بر این ماده ۱۹ نیز بر حمایت از تمامیت جسمانی اطفال تأکید کرده است. با توجه به این‌که ممکن است در مدارس به بهانه آموزش، اطفال مورد تعرض قرار گیرند، تدوین‌کنندگان کنوانسیون با وقوف به این امر در ماده ۲۸ به حمایت از اطفال در برابر تنبیه انجام شده در مدارس پرداخته و بر ضرورت نظم و انضباط در مدارس منطبق با شأن اطفال تأکید کرده‌اند. طبق ماده ۳۱ دولت‌های عضو باید اقدامات مناسب را جهت بهبود وضعیت جسمانی و روانی و بازسازی اجتماعی کودکانی که قربانی شکنجه واقع شده‌اند، به عمل آورند.

با وجود آموزه‌های دینی اسلام مبنی بر احترام به اطفال و خودداری از تعرض جسمی به آنان، رقم کودک‌آزاری در ایران بسیار زیاد است؛ به گونه‌ای که حتی به مرحله اضطرار رسیده است. ضعف قوانین حمایتی از اطفال در این امر مؤثر بوده‌اند (<http://www.baztab.com/news/30128.php>).

حساسیت اطفال باعث شده است که قانون‌گذار ورود کمترین صدمات را که منجر به فوت طفل می‌شود، واجد عنوان قتل عمد بدانند. هر چند طبق ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی برای تحقق قتل عمد شخص باید قصد قتل داشته یا عمل او به گونه‌ای باشد که نوعاً منجر به قتل شود ولی درخصوص ایراد ضربه به طفل حتی اگر قصد قتل هم نداشته و حتی ضربه نوعاً نیز موجب قتل نشود، با تحقق شرایط خاصی قتل عمد محقق خواهد شد. بند «ج» ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی در این رابطه بیان می‌دارد: «مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد». در این‌جا قانون‌گذار سیاست افتراقی در جهت حمایت از اطفال اتخاذ کرده است. چنان‌چه صدمه وارد نسبت به طفل نوعاً کشنده و قاتل نیز به آن آگاه باشد، باعث تحقق قتل عمد است. ضمیر «آن» در انتهای بند مذکور به ضربه وارده اشاره دارد. به این معنا که مهاجم باید نسبت به کشنده بودن ضربه نسبت به طفل آگاهی داشته باشد و لذا قانون‌گذار فرض را بر این گرفته که مهاجم از طفل بودن مجنی علیه آگاهی داشته است. در باب حمایت از اطفال در برابر ضرب و جرح بند «ج» ماده ۲۷۱ قانون مجازات اسلامی همانند بند «ج» ماده ۲۰۶ همین قانون، سیاست افتراقی را در جهت حمایت از اطفال در نظر گرفته است.

هر چند قانون‌گذار در جهت حمایت از اطفال سیاست افتراقی مناسبی اتخاذ کرده است ولی با وضع ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی راه را برای تعرض به اطفال بازگذاشته

است. طبق ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی حق تأدیب اطفال تنها به والدین محدود شده ولی بنا بر بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی علاوه بر والدین، اولیای قانونی و سرپرستان اطفال نیز حق تأدیب اطفال را دارند. هر چند این ماده دو معیار درونی قصد تأدیب و معیار بیرونی در حد متعارف بودن را برای تشخیص متعارف بودن تأدیب اطفال قرار داده (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۷۲۳) ولی موجب سوء استفاده بسیاری از والدین و سرپرستان در تنبیه اطفال شده است. نه تنها این ماده موجب بزه‌دیدگی اطفال به بهانه تأدیب شده، بلکه حتی بعضی پا را از این فراتر گذاشته و معلمان و استادان را نیز در ردیف والدین و سرپرستان قرار داده‌اند و به آنها حق تأدیب و تنبیه اطفال را داده‌اند (محسنی، ۱۳۷۶: ۲۵۲) که این امر صریحاً خلاف موازین حقوق کیفری و ماده ۶۵ آیین‌نامه اجرایی مدارس (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش) است. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان امید جامعه حقوقی در جهت مقابله با کودک آزاری به ویژه از طرف والدین که از معافیت ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی استفاده می‌کردند افزایش یافت و اصلاحات مکرر، اندک بارقه‌های امید را نیز از بین برد. در طرح اولیه جرم کودک آزاری که برای اولین بار وارد ادبیات حقوقی ایران شده بود (زینالی، همان: ۷۲) می‌توانست توسط تمام اشخاص ارتکاب یابد، ولی در اصلاحات مکرر مجلس جهت تأمین نظر شورای نگهبان، والدین از شمول این جرم خارج شدند. ماده ۷ این قانون مقرر می‌دارد: «اقدامات تربیتی در چارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹) از شمول این قانون مستثنا است».

آنچه هدف اصلی طراحان این قانون بود با ورود این ماده به کلی از بین رفت. بر اساس آمار موجود، اغلب موارد کودک آزاری توسط والدین صورت می‌گیرد که با استناد به عذر تنبیه از مجازات معاف می‌شوند. طراحان این قانون با آگاهی از این واقعیات، چنان‌که از نطق‌های نمایندگان در خلال تصویب این قانون می‌توان متوجه شد (زینالی، ۱۳۸۲: ش ۱۳۱/۹ - ۱۰۹)، سعی در کاهش رقم سیاه کودک آزاری داشتند ولی این هدف محقق نشد. در حالی که شورای نگهبان در ایرادهای خود خواستار معافیت والدین و مربیان کودکان از شمول قانون فوق‌الذکر شده بود، نمایندگان در اصلاحات خود با ذکر ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی که سرپرستان و اولیای قانونی را نیز شامل می‌شود، برگستره افرادی که می‌توانند از تحت شمول قانون خارج شوند، افزودند (همان: ۱۱۲). آن‌چه تدوین‌کنندگان این قانون از آن غافل بوده‌اند ذکر بدون جهت ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی در کنار ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی است. در بند ۵ ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی در بیان مصادیقی که می‌توان طفل را از تحت حضانت والدین خارج کرد «تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف» ذکر شده است. هر چند بیان مصادیق این ماده ضروری بود ولی نحوه تنظیم این بند و آوردن واژه «تکرار» و «عبارت خارج از حد متعارف»

مشکل ساز شده است. زیرا تشخیص تکرار و خارج از حد متعارف مشکل است و قانونگذار ملاکی برای تعیین دفعات لازم برای وقوع تکرار ذکر نکرده است. به نظر می‌رسد برای صدور حکم فقدان لیاقت، وجود توأمان «تکرار» و «خارج از حد متعارف» ضروری است و با حضور یکی از آن دو نمی‌توان حکم به فقدان لیاقت والدین صادر کرد که این امر راه را برای تکرار ضرب و جرح در حد متعارف و ضرب و جرح یک مرتبه خارج از حد متعارف باز گذاشته است.

با وجود تمام ایرادهای وارد بر قانون حمایت از کودکان یکی از نقاط قوت این قانون ماده ۴ آن است. قبل از تصویب این قانون جرمی تحت عنوان شکنجه جسمی و روحی افراد عادی نسبت به یکدیگر در قوانین ایران وجود نداشت. تنها مواد ۵۷۸ و ۵۸۷ قانون مجازات اسلامی به آزار و اذیت بدنی افراد عادی توسط مستخدمان و مأموران قضایی و غیرقضایی دولتی برای کسب اقرار، شکنجه و آزار بدنی شخص توقیف شده و محبوس شده یا مخفی شده توسط مأمورین و مقام‌های دولتی پرداخته بود (زینالی، ۱۳۸۲: ش ۷/ ۷۶). با تصویب این ماده چتر حمایتی در جهت حمایت از اطفال کمتر از هجده سال در مقابل شکنجه ایجاد شد. این ماده تنها از اطفال در برابر شکنجه جسمی حمایت نکرده بلکه از آنان در برابر شکنجه روحی نیز حمایت کرده که اقدام مثبتی در جهت حمایت از اطفال است.

۴- حمایت در برابر جرایم جنسی

سوء استفاده جنسی از صفار مشکل جدیدی نیست و در گذر از تنگنای سالیان دراز، اشکال متنوعی به خود گرفته است. پدیده‌های که مرزهای زمان و مکان را در نور دیده و به صورت‌های مختلف و اصالتاً متحد مسیر پر پیچ و خمی را طی و در این راه هدف یکسانی را دنبال می‌کند (قناد، ۱۳۷۷: ۲). اگر در گذشته سوء استفاده جنسی تنها به شکل تعرض جنسی به اطفال و ازدواج اجباری بروز داشت امروزه اشکال آن متنوع تر شده و هرزه‌نگاری و توریسم جنسی ظهور کرده است. هر چند امروزه در بیشتر کشورها رابطه جنسی بین دو فرد بدون وجود رابطه زوجیت در صورت رضایت طرفین فاقد عنوان مجرمانه است. ولی این امر تنها به بزرگسالان اختصاص دارد و شامل روابط جنسی با اطفال نمی‌شود و قانونگذاران اعتباری برای رضایت اطفال قائل نیستند و معتقدند که اطفال توانایی درک خوب و بد را ندارند تا بتوانند به ایجاد رابطه رضایت دهند و چنانچه به این امر نیز رضایت دهند و رضایت آنها را صحیح بدانیم، به خاطر خطراتی که این روابط برای سلامتی آنها دارد بایستی آن را جرم‌انگاری نماییم. در انگلستان این رویه دنبال شده است (قناد، ۱۳۷۷: ۲۸).

قبیح اجتماعی موجب شده که رقم سیاه جرم بالا باشد و غالب کسانی که مورد تعرض قرار می‌گیرند از افشای تجاوز ابا دارند. در مورد اطفال رقم سیاه بسیار بالاتر است. اغلب آنان چنانچه در طفولیت

مورد تعرض قرار گیرند از بیان تجاوز ابا دارند و سعی در پوشاندن آن دارند. بسیار مشاهده شده است کسانی که مورد تعرض قرار گرفته‌اند بعد از چندین سال و آن‌هم در سنین بزرگسالی و هنگامی که متجاوز به دلیل تجاوزهای متعدد دستگیر می‌شود، به افشای تجاوز جنسی انجام شده بر خود اقدام می‌کنند. بسیار اتفاق افتاده است کودکانی که در این سن مورد تجاوز واقع گرفته‌اند در بزرگسالی به منظور انتقام، اقدام به تجاوز به اطفال نموده‌اند. مطالعه‌ای که در مورد سوء استفاده جنسی در کانادا توسط کمیته جرایم جنسی علیه کودکان در سال ۱۹۹۸ صورت گرفت نشان داد که ۵۳ درصد از زنان و ۳۱ درصد از مردان کانادایی هنگامی که کودک بوده‌اند مورد بهره‌برداری جنسی قرار گرفته‌اند ولی از افشای آن ابا داشته‌اند (Child Sexual Abuse, 2004).

امروزه علاوه بر تجاوز جنسی، توریسم جنسی که به صورت قاچاق اطفال به مناطق خاص صورت می‌گیرد به عنوان یکی از جرایم جنسی علیه اطفال شناخته شده است. قاچاق کودکان سودآورتر از قاچاق مواد مخدر است، زیرا از مواد مخدر تنها یک مرتبه می‌توان استفاده نمود ولی در قاچاق انسان می‌توان از شخص قاچاق شده به دفعات متعدد استفاده کرد. هرچند فقر اقتصادی در ظهور این پدیده تأثیر به‌سزایی داشته است، ولی نمی‌توان از نقش ضعف حکومت‌های مرکزی و دخالت بعضی حکومت‌ها در قاچاق انسان به‌سادگی گذشت. این امر را می‌توان در کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق مشاهده کرد. در حالی‌که قبل از فروپاشی شوروی سابق میزان قاچاق زنان و اطفال اندک بود، پس از فروپاشی حکومت مرکزی و تشکیل جمهوری‌های تازه استقلال یافته به یک مرتبه میزان قاچاق اطفال و زنان به اروپا افزایش یافت. از جمله این کشورها می‌توان به لیتوانی و مولداوی اشاره کرد. به علاوه گاه سود سرشار قاچاق موجب می‌شود که مأموران دولتی نیز در قاچاق اطفال و زنان شرکت نمایند. از جمله این کشورها می‌توان به ناپلند و کامبوج اشاره کرد. ارقامی که در باب قاچاق ذکر می‌شود بسیار وحشتناک است و گفته می‌شود دو میلیون کودک که اغلب آنان دختر هستند در صنعت تجارت سکس به کار گرفته شده‌اند (Commercial Sexual Exploitation, 2004).

شکل دیگر بهره‌برداری جنسی از اطفال هرزنگاری (Pornography) است. اگر چه این پدیده در گذشته در شکل محدود و بر روی صفحات مجلات و روزنامه‌ها وجود داشت، با گسترش اینترنت بر وسعت آن افزوده شده و حتی به صنعت موبایل نیز سرایت کرده است (<http://www.baztab.com/news/29118.php>). هرزنگاری می‌تواند هم به صورت صوتی و هم به صورت تصویری ارتکاب یابد ولی آن‌چه بیشتر شایع و خطرات آن نیز بیشتر است، هرزنگاری تصویری است. ارتکاب این عمل می‌تواند اثرات مضر بر کودک داشته باشد. در اغلب موارد تهیه‌کنندگان تصاویر خود اقدام به تجاوز نسبت به اطفال کرده‌اند. به علاوه تصاویر می‌تواند در به دام انداختن اطفال به کار آید (کار، ۱۳۸۳: ۸۸/۴۳).

وسعت هرزه‌نگاری اطفال موجب نگرانی سازمان‌های بین‌المللی از جمله یونسف نسبت به اطفال در معرض این جرایم شده (هارتن ۱۳۸۲: ش ۵۴/۸۳) و برای رفع این نگرانی در اسناد بین‌المللی مقرراتی وضع شده است. از جمله این مقررات می‌توان به ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک اشاره کرد که بر لزوم حمایت دولت‌ها از اطفال در برابر جرایم جنسی تأکید کرده است. ماده ۳ کنوانسیون شماره ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار نیز استفاده از اطفال در روسپیگری و هرزه‌نگاری را به عنوان بدترین اشکال کار کودکان ذکر کرده است. به دلیل حاد بودن مسئله سوء استفاده جنسی از اطفال، جامعه جهانی تصمیم به اتخاذ تدابیر عملی‌تر در مقابله با این امر نمود. یکی از این موارد تصویب پروتکل پیشگیری و مجازات اشخاص - به ویژه زنان و کودکان - الحاقی به کنوانسیون پالمو است. در این پروتکل به منظور حمایت بیشتر از اطفال در بند «ج» ماده ۳ مقرر شده است که قاچاق اطفال در صورتی که آنان به این امر رضایت داشته باشند نیز تحقق می‌یابد. انتقادی که بر پروتکل وارد است این است که علاوه بر فقدان تعریف «بهره‌برداری از فحشای دیگران» و «سایر اشکال بهره‌کشی جنسی»، به قاچاق صورت گرفته در داخل مرزهای کشور واحد اشاره‌ای نکرده است. پروتکل تنها هنگامی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که بزه دیده از یک کشور به کشور دیگر قاچاق شود و قاچاق انجام شده در داخل مرزهای کشور واحد مشمول این کنوانسیون نمی‌شود (سلیبی، ۱۳۸۲: ۹۲). به همین دلیل پیشنهاد شده است که قاچاق در درون مرزهای کشور واحد نیز جرم تلقی شود. یعنی قاچاق انسان بیش از آن‌که به صرف خروج غیرقانونی افراد از مرزهای کشورها متمرکز شود، بایستی بر اهداف بهره‌برداری غیرقانونی از افراد به ویژه کار اجباری افراد در فحشا متمرکز شود (Recommendations Regarding the Proposal ... 2001).

همان‌گونه که بند ۳ ماده ۱ «کنوانسیون اتحادیه آسیای شرقی برای همکاری منطقه‌ای (سارس) راجع به پیشگیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان به منظور روسپیگری» (۲۰۰۲) بدون توجه به وقوع قاچاق در درون یا بیرون کشور آن را به معنای «انتقال و خرید و فروش زنان و کودکان در درون و بیرون کشورها ...» می‌داند (السان، ۱۳۸۴: ش ۱۶/۳۳۲).

جدیدترین سندی که به حمایت از اطفال در برابر بهره‌برداری جنسی پرداخته، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان است. مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۵ می ۲۰۰۰ توسط قطعنامه ۵۴/۲۶۳ پروتکل را تصویب کرد و در نوامبر ۲۰۰۳ پس از گذشت سه ماه از تصویب دهمین کشور به مورد اجرا درآمد. هم‌اکنون ۱۱۴ کشور آن را امضا و ۱۱۱ کشور به عضویت آن درآمده‌اند. پروتکل پس از بیان مقدمه‌ای در باب ضرورت تدوین پروتکل و نگرانی جامعه جهانی در مورد قاچاق بین‌المللی کودکان در جهت فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان، در ماده ۱ دولت‌ها را ملزم به جرم‌انگاری فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان کرده است. برخلاف پروتکل الحاقی

به کنوانسیون پالمو؛ این پروتکل در ماده ۲ صریحاً به تعریف فروش، فحشا و هرزه‌نگاری پرداخته است. ماده ۳ نیز برخلاف پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو بین ارتکاب این جرایم در داخل یا خارج مرزهای یک کشور تفاوت قائل نشده است. پروتکل در مقایسه با دیگر اسناد، مقررات کامل‌تری را پیش‌بینی کرده است. شاید تنها مشکل پروتکل حق شرط‌های مطلق کشورها باشد که از قدرت اجرایی آن کاسته است. از جمله می‌توان به حق شرط قطر اشاره کرد که به طور مطلق اجرای پروتکل را به عدم مخالفت مقررات آن با شریعت اسلام مشروط کرده است. به دلیل حق شرط گسترده قطر دولت‌های فرانسه و آلمان به شدت با آن مخالفت کرده‌اند (<http://www.ohchr.org/english/countries/ratification//11-c.htm#reservation>).

از طرفی بنا بر بند ج قسمت ۲ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز به بردگی گرفتن که از جمله جنایات ضد بشریت است به معنای «اعمال اختیارات مربوط به حق مالکیت بر انسان بوده و مشتمل است بر اعمال چنین اختیاری در جهت خرید و فروش انسان به ویژه زنان و کودکان»؛ از این رو مرتکبان قاچاق اطفال در دیوان کیفری بین‌المللی قابل محاکمه هستند.

قوانین ایران از اطفال در برابر جرایم جنسی حمایت کافی نکرده بلکه حتی در بعضی موارد سیاست معکوسی دارند، همانند حوزه زنان که در بعضی موارد قانون‌گذار به جای اتخاذ سیاست افتراقی در جهت حمایت از زنان، سیاست معکوسی اتخاذ کرده‌اند (زینالی، ۱۳۸۳: ۱۳/۲۱۹). از جمله مجازات برقراری رابطه جنسی افراد ذکور با اطفال مؤنث همانند مجازات برقراری رابطه با افراد مؤنث بزرگسال است. طبق تبصره ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی چنانچه زن محصنه با پسر نابالغ زنا کند موجب حد تازیانه برای زن می‌شود. در حالی که طبق صدر ماده مذکور زنانی که زن محصنه با مرد بالغ موجب رجم است؛ با وجودی که رابطه جنسی با طفل باعث ورود صدمه به طفل می‌شود، قانون‌گذار بدون توجه به این امر مجازات را کاهش داده است.

پس از آشکار شدن مسئله قاچاق اطفال، برخی کشورها قوانینی در جهت مقابله با قاچاق تصویب کردند. پیرو گسترش پدیده قاچاق در آمریکا در اکتبر ۲۰۰۰ قانون حمایت از بزه دیدگان قاچاق (Trafficking Victims Protection Act (TVPA) 2000) تصویب شد. این قانون تدابیری برای حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق در نظر گرفته است. از جمله این تدابیر می‌توان به اعطای ویزا به قربانیان قاچاق و اجازه کار در آمریکا اشاره کرد. پس از سه سال نیز بزه دیدگان می‌توانند همانند یک آمریکایی در آن کشور اقامت کنند (<http://www.acf.hhs.gov/trafficking,2004>).

در سال ۱۳۸۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان به تصویب رسید. قبل از تصویب این قانون، قاچاق اطفال چنانچه در قالب خرید و فروش صورت می‌گرفت می‌توانست مشمول ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان باشد. در این ماده از هر گونه خرید و فروش اطفال به منظور اعمال

خلاف صحبت به میان آمده است. ارتکاب اعمال جنسی از جمله موارد اعمال خلاف است. با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، قاچاق اطفال به منظور ارتکاب اعمال جنسی از شمول اعمال خلاف مندرج در ماده ۳ قانون حمایت از کودکان خارج شد. این قانون که به دنبال حوادث اتفاق افتاده در مشهد به تصویب رسید،^۱ برای اولین بار اصطلاحات و مفاهیم جدیدی را در ادبیات حقوقی ایران وارد کرده است. از جمله این موارد می‌توان به کاربرد واژه «بزه دیده» در ماده ۳ و تبصره ۳ آن اشاره کرد. تا قبل از تصویب این قانون در قوانین ایران از عبارات «شاکمی»، «مدعی»، «زیان دیده» و «مجنی علیه» استفاده می‌شد. از دیگر اصطلاحات جدید عبارت «سازمان یافته» است که برای اولین بار در قوانین ما استفاده شد. به موجب ماده ۳ «چنانچه قاچاق از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازات‌های مقرر در آن و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود». قانون‌گذار بدون توجه به فلسفه وضع قانون، اعمال مجازات را منوط به عدم تعیین مجازات در قانون مجازات اسلامی کرده است. به نظر می‌رسد حداقل یکی از مواردی که می‌تواند مشمول قانون مجازات اسلامی قرار گیرد کوادی است. چنانچه قاچاق انسان برای ارتباط جنسی شرایط کوادی را داشته باشد، بنابر ماده ۳ مرتکب به مجازات کوادی (ماده ۱۳۸) محکوم خواهد شد. ضابطه‌ای در تشخیص شدید یا ضعیف‌تر بودن مجازات شلاق نسبت به حبس وجود ندارد. لذا بهتر بود قانون‌گذار قاعده جمع مجازات‌ها را اعمال می‌کرد.

در تبصره ۱ ماده ۳ در جهت حمایت بیشتر از اشخاص کمتر از هیجده سال مجازات تشدید شده است. این تبصره نیز مانند اغلب مواد قانون مجازات اسلامی اعمال مجازات را منوط به عدم شمول محاربه و افساد فی الارض کرده، بدون اینکه ضابطه‌ای برای تعیین مصادیق محاربه و افساد فی الارض ذکر کند (حیب زاده، ۱۳۷۹: ۲۸).

طبق قانون مبارزه با قاچاق انسان، قاچاق انسان در صورتی اتفاق می‌افتد که مبدأ و مقصد قاچاق کشور واحد نباشد؛ یعنی باید یا مبدأ یا مقصد آن ایران باشد و چنانچه مبدأ و مقصد قاچاق هر دو در ایران باشد، جرم محقق نخواهد شد. این ایراد نیز به پروتکل پیشگیری و مجازات اشخاص - به ویژه

۱- پس از مدت‌ها کشف شد که در استان‌های خراسان و سیستان و بلوچستان، قاچاقچیان پس از ازدواج با دختران فقیر این مناطق به قاچاق آنان به پاکستان اقدام کرده و آنها را مجبور به فحشا و خودفروشی می‌کنند (برای اطلاع بیشتر رک: کمیته دفاع از قربانیان خشونت، ۱۳۸۲: ۶۳ به بعد). به دنبال آن به منظور مبارزه جدی با این پدیده مجلس در ۱۳۸۳/۴/۲۸ قانون مبارزه با قاچاق انسان را تصویب کرد.

زنان و اطفال - الحاقی به کنوانسیون پالرمو وارد بود. این نقص در پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک راجع به فروش، فحشا و هرزه‌نگاری اطفال برطرف شد. هرچند می‌توان حالتی را که طفل در داخل ایران برای ارتکاب اعمال جنسی خرید و فروش می‌شود، بر اساس ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مجازات نمود (مهرا، همان: ۲۸۴)، ولی بایستی توجه داشت که مجازات مقرر در آن قانون در مقایسه با مجازات مبارزه با قاچاق انسان بسیار کم است. در حال حاضر در حوزه قاچاق اطفال دو مقررۀ قانونی وجود دارد. قانون‌گذار مشخص نکرده است که آیا با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نسخ شده است یا نه؟ در این مورد دو نظر می‌تواند مطرح شود: اول این‌که چون هر دو قانون خاص هستند بنابراین خاص لاحق خاص سابق را نسخ می‌کند. پس با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نسخ شده است. در مقابل نظر دیگر این است که دو مقررۀ قانونی با هم تعارض ندارند، چرا که ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، همان‌طور که گفته شد، به قاچاق اطفال در داخل ایران اختصاص دارد و قانون مبارزه با قاچاق انسان به قاچاق به خارج از کشور ناظر است. پس تعارضی بین آنها وجود نداشته و هر دو مقررۀ لازم‌الاجرا هستند. به نظر می‌رسد نظر اخیر اقوا باشد.

در مورد هرزه‌نگاری اطفال در قوانین ایران مقرردهای در جهت حمایت از اطفال وجود ندارد. ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی بدون هیچ‌گونه تشدید مجازاتی نسبت به هرزه‌نگاری‌هایی که اطفال بزه دیده آن هستند همه افراد را مشمول یک مجازات قرار داده است. اما قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند (۱۳۷۲) مجازات مشددی نسبت به کسانی که از اطفال در تهیه و توزیع آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن استفاده می‌کنند در نظر گرفته است. بنابر تبصره ۳ بند «ب» ماده ۳ این قانون: «استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه و فروش و تکثیر نوارهای غیرمجاز موضوع این قانون موجب حداکثر مجازات‌های مقرر برای عامل خواهد بود». در این قانون برای تولید و توزیع آثار سمعی و بصری مستهجن یک تا سه سال حبس و برای آثار سمعی و بصری مبتذل سه ماه تا یک سال حبس در نظر گرفته شده است. اخیراً معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه با تنظیم و تدوین لایحه قانون جرایم رایانه‌ای، که هم اکنون در مجلس در دست بررسی است، با الهام و اقتباس از کنوانسیون جرایم محیط مجازی شورای اروپا (مصوب سپتامبر ۲۰۰۱) در مقام حمایت کیفی از اطفال کمتر از هیجده سال در برابر جرایم رایانه‌ای بر آمده است. ماده ۱۰ این لایحه که از ماده ۹ کنوانسیون شورای اروپا مقتبس شده برای کسانی که از اطفال در هرزه‌نگاری استفاده و تصاویر هرزه‌نگاری را به آنان ارائه می‌کنند و همچنین کسانی که در این امور نقش معاونت را دارند، مجازت مقرر در ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی را در نظر گرفته است (مهرا، همان: ۲۸۴).

نتیجه گیری و پیشنهادات

به رغم تلاش اندیشمندان در دو سده اخیر در جهت احیا و ارتقای حقوق متهمان، به نقش و جایگاه دیگر کنشگر واقعه جنایی (بزه دیده) توجه نشده و به او به عنوان یکی از مقرران واقعه جنایی توجه شده است (بوریگان، ۱۳۷۹: ۳۱۴). با گذشت زمان حقوق بزه دیدگان همانند حقوق متهمان مورد توجه قرار گرفت به گونه‌ای که با ایجاد تعادل بین حقوق این دو کنشگر، سعی در اجرای عدالت گردید و هم زمان نسبت به گروه‌های خاص بزه دیدگان سیاست افتراقی اتخاذ شد. برخی از گروه‌ها، همانند اطفال در برابر پدیده بزه کاری آسیب پذیرترند و احتمال بزه دیده واقع شدنشان بیشتر از سایر گروه‌ها است، از این رو به حمایت بیشتر احتیاج دارند. این سیاست به معنای تبعیض در اجرای قوانین کیفری نیست. سیاست افتراقی ابتدا در اسناد بین‌المللی و سپس در قوانین داخلی ماهوی و شکلی وارد شد. بشر به این نتیجه رسید که نه تنها در هنگام وقوع جرم، بلکه در هنگام دادخواهی نیز احتمال بزه دیده شدن وجود دارد که خطرات آن کمتر از بزه دیدگی اولیه نیست. از این رو در آیین دادرسی کیفری نیز حمایت‌هایی در جهت حقوق بزه دیدگانی که در معرض خطر قرار دارند در نظر گرفته شد. به عنوان مثال، مقررات خاصی از قبیل استفاده از دستگاه‌های ویدئویی برای استماع اظهارات اطفال بزه دیده مقرر شده است.^۱ اسناد بین‌المللی متعددی دولت‌ها را به وضع مقررات در جهت حمایت از اطفال توصیه نموده‌اند. هر چند ما به اکثر کنوانسیون‌های مذکور ملحق شده‌ایم ولی حق شرط‌های گسترده از جمله حق شرط بر کنوانسیون حقوق کودک که بیان داشته در هر زمان که مقررات کنوانسیون با مقررات داخلی و شرع مخالف باشد ایران الزامی به اجرای آن ندارد، عملاً کنوانسیون‌ها را از اعتبار انداخته است. با این حال، تصویب اسناد بین‌المللی، هر چند با حق شرط باشد، می‌تواند تأثیر مهمی در الزام دولت‌ها به گنجاندن مفاد کنوانسیون‌ها در مقررات داخلی شان داشته باشد (Johnson & Bellamy, 2004: 63). ایران به اسناد مهمی همانند کنوانسیون حقوق کودک ملحق شده ولی همچنان پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون پالرمو و پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فحشا و هرزه‌نگاری اطفال را تصویب نکرده است. تصویب این دو سند می‌تواند نقش مهمی در حمایت از اطفال داشته باشد. به موازات تصویب اسناد بین‌المللی، قانون‌گذار تلاش کرده است قوانین داخلی را اصلاح کند که از جمله می‌توان به تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک یکی از عوامل تأثیرگذار در تصویب آن است (خواجه نوری، ۱۳۸۲: ۱۹) و قانون مبارزه با قاچاق انسان، اشاره کرد.

۱- به عنوان مثال در حالی که طبق بند ۱ قانون آیین دادرسی کیفری آلمان استماع اظهارات بزه دیده از طریق دستگاه‌های ویدئویی اختیاری است، چنان‌چه بزه دیده، طفل کمتر از شانزده سال باشد، استفاده از این تکنولوژی الزامی خواهد بود.

در این مقاله به برخی از ایرادهای وارد بر قوانین داخلی در حوزه اطفال اشاره و ملاحظه گردید که به رغم اصلاحات صورت گرفته تا رسیدن به سر حد مطلوب فاصله بسیاری وجود دارد. اولین تغییری که باید قبل از همه صورت گیرد اتخاذ سیاست حمایتی افتراقی برای کلیه اطفال کمتر از هیجده سال است چرا که همان‌طور که بیان گردید جز مواردی که در قوانین به طور خاص به سن خاصی اشاره شده است در بقیه موارد بایستی به اصل رجوع کرده و مقررات حمایتی پیش بینی شده را شامل حال اطفال کمتر از پانزده و نه سال بدانیم. این امر موجب خارج شدن طیف وسیعی از اطفال از حیطه حمایت قانون‌گذار خواهد شد.

در کنار این تغییر می‌توان اقدامات دیگری را نیز اجرا نمود تا انگیزه مجرمان در ارتکاب جرم علیه اطفال کاهش یابد. از جمله این اقدامات می‌توان به ممنوعیت اعمال کیفیات مخففه قانونی در مورد بزهکاران جرایم علیه اطفال اشاره نمود. علاوه بر این، اصلاح مقررات قانونی در حوزه‌هایی که در این تحقیق به آنها اشاره گردید و ایرادهای آنها مطرح شد نیز می‌تواند بسیار کارساز بوده و احتمال بزه دیدگی اطفال را کاهش دهد. اصلاح موادی که احتمال بزه‌دیدگی اطفال را افزایش می‌دهد نیز بسیار ضروری است، زیرا در بعضی از موارد نه تنها قانون‌گذار سیاست افتراقی در جهت حمایت از اطفال اتخاذ نکرده بلکه سیاست معکوس اتخاذ کرده که این امر در بزه‌دیدگی اطفال مؤثر است. از جمله می‌توان به ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که برخلاف قذف بالغ، چنان چه طفل نابالغ مقذوف واقع شود مجازات قاذف را تعزیر قرار داده است. هر چند شاید گفته شود که «به دلیل عدم استقلال شخصیتی اطفال وجود تبعیض در حمایت کیفری از آنها نسبت به سایرین تا حدودی طبیعی است اما به نظر می‌رسد با توجه به شکل‌گیری شخصیت و طی کردن مرحله آزمون و خطا در دوره کودکی، بایستی شخصیت معنوی اطفال بیشتر محترم شمرده شده و هرگونه تعرض به آنان ممنوع اعلام گردد» (زینالی، ۱۳۸۲: ۱۲۸). غیر از این ماده، مواد دیگری مانند مواد ۲۲۰، ۵۹ و تبصره ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی راه را برای تعرض به اطفال باز گذاشته است. امروزه همه پذیرفته‌اند که در حوزه اطفال با قوانین کنونی نمی‌توان از بزه‌دیدگی اطفال پیشگیری کرد. و بر این اساس به تازگی ایده تشکیل پلیس کودک مطرح شده است (http://www.isna.ir/main/news_view.aspx?Id=news-602129).

در تشکیل این نیرو باید به آموزش آنان توجه شایسته مبذول شود، زیرا پس از بزه‌دیدگی، طفل نیازمند آرامش و حمایت است و این امر تنها از افراد آموزش دیده بر می‌آید. تأسیس شورای حمایت از حقوق کودکان در قوه قضائیه (روزنامه همشهری، ۱۴/۸/۱۳۸۴: ۶) نیز از دیگر اقدامات مفید است.

منابع

- ۱- السان، مصطفی، «قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی (از منق جهانى تا حمايت از بزه‌ديدگان)»، فصلنامه علمى پژوهشى رفاہ اجتماعى، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۳۸۴.
- ۲- بوريگان، ژاک، «اطفال بزه‌ديده و بزه‌کار در حقوق فرانسه»، ترجمه على حسين نجفى ايرندآبادى، مجله تخصصى دانشگاه علوم اسلامى رضوى، سال دوم، شماره ۱۰۲، ۱۳۸۱.
- ۳- بولوكوس آدام، س و فارل، گرامام، «جرم سازمان‌يافته و قاچاق مواد مخدر: تلاش‌هاى سازمان ملل»، ترجمه مهرداد رايچيان اصلى، مجموعه مقالات (همایش بين‌المللى علمى - کاربردى جنبه‌هاى مختلف سياست جنائى در قبال مواد مخدر)، ج ۱، انتشارات روزنامه رسمى جمهورى اسلامى ايران، ۱۳۷۹.
- ۴- يگيى، جمال، بزه‌ديدگى اطفال در حقوق ايران، نشر ميزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۵- يراذل، ژان، تاريخ انديشه‌هاى كيفرى، ترجمه على حسين نجفى ايرندآبادى، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۶- توجيى، عبدالعلى، «كاربرد يافته‌هاى بزه‌ديده شناختى در روند مبارزه با اعتياد»، مجموعه مقالات (همایش بين‌المللى علمى - کاربردى جنبه‌هاى مختلف سياست جنائى در قبال مواد مخدر)، ج ۱، انتشارات روزنامه رسمى جمهورى اسلامى ايران، ۱۳۷۹.
- ۷- حبيب زاده، محمدجعفر، محاربه در حقوق كيفرى ايران، انتشارات تربيت مدرس، ۱۳۷۹.
- ۸- خواجه نورى، ياسمن، تحولات سياست جنائى ايران پس از الحاق به کنوانسيون حقوق کودک، پايان‌نامه کارشناسى ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسى، دانشکده حقوق دانشگاه شهيد بهشتى، ۱۳۸۲.
- ۹- رايچيان اصلى، مهرداد، «حمايت از بزه‌ديدگان در جرايم مواد مخدر»، علوم جنائى (گزيده مقالات آموزشى براى ارتقاى دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر) ج ۲، انتشارات سلسبيل، ۱۳۸۴.
- ۱۰- روزنامه شرق، سال دوم، شماره ۵۰۳، يکشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۸۴.
- ۱۱- روزنامه همشهرى، سال سيزدهم، شماره ۳۸۴۱، شنبه ۱۴ آبان ۱۳۸۴.
- ۱۲- زينالى، اميرحمزه، «اثرات فقدان حمايت كيفرى از زنان بر بزه‌ديدگى آنها»، فصلنامه علمى پژوهشى رفاہ اجتماعى، سال سوم، شماره ۱۳، ۱۳۸۳.
- ۱۳- زينالى، اميرحمزه، بررسى قوانين كيفرى ايران از نظر جرم زايى، پايان‌نامه کارشناسى ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسى، دانشکده حقوق دانشگاه شهيد بهشتى، ۱۳۸۲.
- ۱۴- زينالى، اميرحمزه، «قانون حمايت از کودکان و نوجوانان و تقابل ديده‌گاه‌ها در آن»، فصلنامه علمى پژوهشى رفاہ اجتماعى، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۸۲.
- ۱۵- زينالى، اميرحمزه، «نوآزرى‌هاى قانونى در حمايت از کودکان و نوجوانان و چالش‌هاى فراروى آن»، فصلنامه علمى پژوهشى رفاہ اجتماعى، سال سوم، شماره ۷، ۱۳۸۲.
- ۱۶- سازمان دفاع از قربانيان خشونت، «قاچاق انسان و راهکارهاى قانونى مبارزه با آن»، ۱۳۸۲.
- ۱۷- سلجى، صادق، جنائيات سازمان يافته فراملئ، نشر تهران صدا، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۸- شمس اژيه، عليرضا، جرم سازمان يافته و بررسى مصاديق آن در حقوق موضوعه ايران، پايان نامه کارشناسى ارشد حقوق جزا و جرم شناسى، دانشکده حقوق دانشگاه شهيد بهشتى، ۱۳۷۹.

- ۱۹- شهیدی، مهدی، مدنی ۳ (تعهدات)، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۲۰- عباچی، مریم، «حمایت از اطفال در مقابل اعتیاد و قاچاق مواد مخدر (ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹)»، مجموعه مقالات برگزیده همایش بین‌المللی علمی- کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد سوم، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹.
- ۲۱- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر دادگستر، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
- ۲۲- کار، جان، «آثار مضر پورنوگرافی کودک»، ترجمه محمد حسن دزیانی، خبرنامه انفورماتیک، شماره ۸۸، ۱۳۸۳، سازمان ملی جوانان، گزارش ملی جوانان، فروردین ۱۳۸۳.
- ۲۳- قناد، فاطمه، حمایت کیفری از صغار در برابر جرایم جنسی در نظام حقوقی انگلستان و ولز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
- ۲۴- لیز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، بزه دیده و بزه دیده شناسی، ترجمه روح الدین کرد علیوند و احمد محمدی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۲۵- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۳، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۲۶- مدنی قهفرخی، سعید، کودک آزاری در ایران، انتشارات اکنون، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۲۷- مصفا، نسرين، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۲۸- مهرا، نسرين، «حمایت‌های حقوقی کیفری از اطفال در برابر بزه‌کاری در حقوق ایران»، یادنامه دکتر مهدی شهیدی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.
- ۲۹- هارتن مرلین، «بزه‌دیده شدن اطفال در سایر اسپیس»، ترجمه محمد حسن دزیانی، خبرنامه انفورماتیک، شماره ۸۳، ۱۳۸۲.
- ۳۰- ایرانیان، امیر، «حمایت از اطفال در برابر بهره‌کشی‌های اقتصادی و جنسی»، ندای صادق، سال هشتم، شماره ۳۲، ۱۳۸۲.
- 31- Johnson, Anders B., Bellamy, Carol, **Combating child Trafficking: A Handbook for parliamentaries**, Switzerland, 2004.
- 32- "Child Sexual Abuse", Information from The National Clearinghouse on Family Violence-Canada, 2004, http://www.phac-aspc.gc.ca/nctv-cnivf/family_violence/nfnts_abuse-e.html
- 33- **Commercial Sexual Exploitation**, 2004, http://www.unicef.org/Guidelines_on_Justice_for_Child_Victims_and_Witnesses_of_Crime,_the_Economic_and_Social_Council_of_UN,_2004.
- 34- <http://www.acf.hhs.gov/trafficking>, 2004
- 35- <http://www.baztab.com/news/29118.php>
- 36- <http://www.baztab.com/news/30128.php>
- 37- http://www.isna.ir/main/news_view.aspx?Id=news-602129
- 38- <http://www.ohchr.org/english/countries/ratification//11-c.htm#reservation>
- 39- **Recommendations Regarding the Proposal for a Council Framework Decision Combating Trafficking in Human Being**, Submitted by Women's Rights Division, Human Rights Watch, Feb. 2001
- 40- **The Child Victims: What should be done and who should do it?** Australian, Septamber 1999, <http://www.aic.gov.au/confereces/rvc/roylance.htm>
- 41- **On the criminal support of the child victims in the Iranian law compared to the international instruments**